

پرونده فساد نفتی یکی از کلان‌ترین و پوشیده‌ترین پرونده‌های قضایی در پیشینه دادگستری ایران است که هم از دید قضایی و کیفری و هم از جهت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با پرسش‌ها و چالش‌های چندی رو به رو است. رسیدگی به این پرونده از مهر ۱۳۹۴ آغاز شد و بخشی از آن که درباره متهم اصلی پرونده یعنی بابک زنجانی است در آذر ۱۳۹۵ به فرجام رسید. در فرآیند رسیدگی آغازین، دادگاه انقلاب تهران، برای متهم اصلی به اتهام افساد فی الارض از طریق اخلال در نظام اقتصادی، کیفر اعدام و برگرداندن پول فروش نفت را گزید که همین ضمانت اجرا در دیوان عالی کشور تأیید شد. هرچند این حکم در آستانه اجرا قرار گرفته است ولی خرده‌های حقوقی، بایسته‌های اقتصادی و باورهای شهروندان در این زمینه، به عنوان بازدارنده‌هایی در برابر پذیرش راستین این حکم به شمار می‌روند که در این گزارش به آنها پرداخته می‌شود.

## مقدمه

فساد نفتی به معنای بهره‌گیری ناروا از اختیارات قانونی در صنعت نفت از هنگام سرمایه‌گذاری و واگذاری برای کشف و بیرون‌آوری تا فروش و دریافت ارزش پولی آن است. با آنکه فساد نفتی در سال‌های تحریم بین‌المللی و پس از آن برجسته شد ولی به راستی این پدیده از هنگام کشف نفت در ایران تا کنون همواره وجود داشته است. سرگذشت نفت در ایران نشان می‌دهد که در گام نخست، قراردادهای نفتی از پایان دوره قاجار تا دوره پهلوی دوم به سود شرکت‌های بیگانه بسته می‌شد و کسانی از ایران نیز در این زمینه تأثیرگذار بوده‌اند. در دوره پهلوی دوم، دگرگونی‌های چندی در قراردادهای نفتی پدید آمد. با تصویب قانون

نفت در سال ۱۳۳۶، قراردادهای نفتی از چهره امتیازی بیرون رفت و قراردادهای مشارکتی، جانشین بازمانده‌های قراردادهای امتیازی شد. در سال ۱۳۵۳ قانون دیگری برای نفت پیش‌بینی شد که نسل سوم قراردادهای نفتی یعنی قراردادهای خدماتی را درجید، قراردادهایی که شرکت‌های نفتی، تنها دریافت‌کننده حقوق فعالیت‌های نفتی خود بودند.

قراردادهای نفتی پس از انقلاب تا پیش از قانون نفت ۱۳۶۶، بیشتر از درون‌مایه قانون سال ۵۳ و رویه پیش از انقلاب پیروی می‌کرد و حتی این رویه پررنگ بود که چهارچوب قراردادها باید بر پایه قانون پیش‌بینی شود. از این رو قراردادهای نفتی تا سال ۱۳۶۶ شفاف و قانونی بود تا جایی که بخشایش رایگان نفت به سوریه در سال‌های نخست جنگ ایران و عراق بر پایه قانون به طور هر ساله پیش‌بینی می‌شد. ولی بر پایه ماده ۵ قانون سال ۶۶، انعقاد قراردادهای مهم فیما بین وزارت نفت یا واحدهای عملیات نفتی با اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی و تشخیص موارد مهم تابع آیین‌نامه دولت است. از این زمان، قراردادهای

### یک. دستگاه قضایی در پی عدالت

دادرسی زنجانی، تاجر و سرمایه‌دار ایرانی که در دوزدن تحریم‌ها به عنوان شخص نخست شناخته می‌شد، از مهر ۹۴ آغازید. در آغاز دادرسی، حجم پرونده زنجانی و چند تن دیگر، ۲۰۹ جلد بود و کیفرخواست تنظیم شده در دادسرا، ۲۳۷ صفحه داشت. اتهام وی در کیفرخواست، افساد فی الارض از طریق اختلال در نظام اقتصادی کشور، رهبری یک شبکه سازمان‌یافته، جعل اسناد و استفاده از اسناد مجعول و پولشویی با علم مؤثر بودن اقدامات در ضربه‌زدن به نظام، کلاهبرداری از وزارت نفت، پولشویی ۱۹۶۷ میلیون یورویی و نشر اکاذیب بود. به واسطه این اتهام‌ها، وی از زمستان سال ۱۳۹۲ در بازداشت بوده است. در بخشی از این اتهام‌ها، وی در جریان دوزدن تحریم‌های ایران بیش از دو میلیارد دلار به دست آمده از فروش نفت ایران را به خزانه دولت واریز نکرده است.

پرونده فساد بانکی در دادگاه انقلاب تهران به طور علنی رسیدگی شد. نشست‌های رسیدگی بیش از بیست و پنج بار بود و گفت و شنیده‌های دادگاه از رهگذر رسانه‌ها پخش گردید. دادگاه نسبت به بخشی از پرونده که درباره بابک زنجانی و چندتن دیگر بود، حکم صادر کرد و بخش دیگر که برخی از متهمان آن از مقام‌های دولتی بودند، باز گذاشته شد. در دادنامه دادگاه، برای بابک زنجانی و دو متهم دیگر، از جهت افساد فی الارض کیفر اعدام و نیز بازگرداندن مال و جزای نقدی یک چهارم عواید به دست آمده از بزه به جهت پولشویی تعیین شد. کیفر اعدام بابک زنجانی در آذرماه ۹۵ به تأیید دیوان عالی کشور رسید. با آنکه

نفتی چهره‌ای محرمانه و دولتی یافتند و دیگر در جامه قانون درنیامدند و از این هنگام فساد نفتی نیز آغاز یا به سخن دقیق‌تر پیچیده شد. پوشیدگی‌ها در قرارداد کرسنت و دیگر قراردادهای که شهروندان و رسانه‌ها از درون مایه‌های آنان آگاه نشدند، همگی دستاورد قانون سال ۶۶ و سامانه درون دولتی کردن قراردادهای نفتی است.

بر پایه محرمانه‌شمردن پیمان‌های نفتی، رفتارهایی مانند گرفتن درصدانه در قراردادهای واگذاری غیرقانونی پروژه‌ها، ارتشا و اختلاس در زمره رفتارهای ضد صنعت نفت به شمار می‌آمد که به طور پراکنده پیش کشیده می‌شد ولی تکان بزرگ به صنعت نفتی هنگامی رخ داد که تحریم‌های بین‌المللی به سوی آن نشانه رفتند. از این هنگام بایستگی رویارویی با تحریم‌ها و دوزدن آنها، زمینه‌ساز فسادهای گسترده و کلان شد که پوشش آنها شذنی نبود. در دوره تحریم‌های بین‌المللی دولت ناچار بود تا در نبود شرکت‌های نفتی چندملیتی، پروژه‌های خود را بدون ضابطه به شرکت‌ها و نهادهای ملی بسپارد که در زمینه صنعت نفت سرشته نداشتند ولی فراتر از آن سپردن فروش نفت و یا دلالتی آن به اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی بود تا از این رهگذر جای پای دولت در برابر دولت‌های خریدار که متعهد به اعمال تحریم‌های بین‌المللی بودند، برجسته نشود.

بابک زنجانی و گروه پیونددار با وی از جمله در زمینه دلالتی و فروش نفت در دوره تحریم بسیار نقش آفرین بوده‌اند. گروه زنجانی با شگردهای گوناگون به ویژه به خدمت‌گیری از شهروندان و شرکت‌های دیگر کشورها یا بنیادهای برخی شرکت‌ها در کشورها دیگر می‌کوشیدند تا به واسطه‌گری، نفت تحریم‌شده ایرانی را بفروشند. پس از جابجایی دولت در سال ۱۳۹۲، وزارت نفت به بازنگرداندن پول‌های نفت فروخته‌شده خرده گرفت و همین امر، زمینه‌ساز طرح پرونده کیفری بر ضد زنجانی و کسان پیونددار با وی شد. زنجانی و چند تن دیگر هنگامی به اتهام افساد فی الارض دستگیر می‌شوند که هنوز تحریم بین‌المللی بر ضد نفت ایران برقرار بود و بازگرداندن این اموال از سوی وی که در بند بود، این پیام را داشت که دستگاه قضایی در پی عدالت، وزارت نفت به دنبال پول و شهروندان نیز در پی یافتن حقیقت رخداد بوده‌اند؛ سه رویکردی که در رویارویی با هم بوده و کمتر در کنار هم در این پرونده بررسی و ارزیابی شده‌اند:



در آغاز گفته شد که دیوان، رأی دادگاه انقلاب به کیفر اعدام را نقض کرده است ولی هم به گفته سخنگوی دستگاه قضایی و هم معاون نظارت دیوان، حکم اعدام بابک زنجانی در دیوان عالی کشور تأیید، ولی حکم اعدام دو متهم دیگر نقض شده است. از دید حقوقی چالش‌های چندی درباره دادنامه صادرشده و سپس تأیید آن از سوی دیوان هست: نخست آنکه پرونده فساد نفتی دارای متهمان و مظنونان فراوانی است. یادکردن بابک زنجانی به عنوان متهم اصلی بیشتر چهره رسانه‌ای داشته است و گر نه از دید قانونی متهم اصلی در معنایی که در رسانه‌ها گفته شده است؛ جایگاهی ندارد. از دید قانونی هر کس به مباشرت یا به تسبیب مرتکب بزه شود، متهم است و اصلی و غیر اصلی ندارد. متهم اصلی تنها در جایی است که بزه، دارای معاون بوده یا دارای شریکانی است که از جهت پیگرد، دیرتر از متهم اصلی به پرونده راه یافته‌اند و گر نه هر کسی که متهم به بزه باشد، به طور جداگانه هویت قضایی دارد و تنها از جهت شایستگی دادگاه، برای اتهام افراد گوناگون یک پرونده باز می‌شود. متهم اصلی نامیدن بابک زنجانی از دید حقوقی این خرده را داشت که دیگر متهمان را در کنار می‌نهاد و به همین شیوه از پاسخگویی آنها می‌کاست. نه تنها در رأی دیوان عالی کشور حکم اعدام دو متهم دیگر تأیید نشد، بلکه به گفته سخنگوی دستگاه قضایی در پرونده فساد نفتی چهار وزیر، رئیس سابق بانک مرکزی، بعضی مدیران و برخی از مدیران نفتی نیز بازجویی شده‌اند یا در حال بازجویی‌اند که نشان می‌دهد متهم اصلی‌سازی در این پرونده یک کجروی

حقوقی است برای محور قرار دادن یک تن. حال آنکه از دید قانونی، هر متهمی جایگاه خود را دارد و هیچ کس محور یا جلودار دیگری یا دیگران نیست.

دوم اینکه اتهام افساد فی الارض برای بابک زنجانی با آنچه در پرونده است و آنچه در دادگاه گذشت، سازگاری ندارد. افساد فی الارض دو چهره جداگانه دارد: پس از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، حد افساد فی الارض از حد محاربه جدا شده و کیفر آن اعدام است. شرط بنیادین حد افساد فی الارض در این قانون، قصد یا انگیزه مرتکب نیست بلکه باید هم رفتار مرتکب در سطح گسترده انجام شود و هم پیامدهای گسترده به بار آورد. ولی رفتارهای بابک زنجانی پیش از تصویب قانون سال ۱۳۹۲ انجام شده و پرو چهره دیگر افساد فی الارض است. تا پیش از ۱۳۹۲، افساد فی الارض جایگاهی جدا از حد محاربه نداشته است ولی گاهی در قانون‌های پراکنده به تنهایی به کار رفته است. به سخن دیگر در برخی قانون‌های پیونددار با فساد مالی یا عفت و اخلاق عمومی، قانونگذار از افساد فی الارض یاد کرده است؛ بی آنکه در کنار آن به محاربه اشاره کند. سنجه بزه در اینجا بیشتر قصد و انگیزه مرتکب است تا گستره رفتار یا نتیجه رفتار. از جهت زمانی، انجام بزه پرو قانون لازم الاجرا است و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نمی‌تواند درباره رفتارهای پیش از خود، حاکم باشد مگر اینکه مساعد به حال محکوم باشد؛ بنابراین اتهام بابک زنجانی بر پایه مفهوم افساد فی الارض در نظام قانونی پیش از سال ۱۳۹۲ تفهیم شده است.

محکومیت بابک زنجانی به موجب ماده دو قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹ است که می‌گوید: هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده یک چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور، چنانچه در حد فساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می‌شود و در هر دو صورت دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد حکم خواهد داد. دادگاه می‌تواند علاوه بر جریمه مالی و حبس، مرتکب را به ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق در انتظار عمومی محکوم نماید.

جدا از اینکه در ماده یک قانون، به روشنی مقررهای نیامده است که با رفتارهای زنجانی سازگاری داشته باشد، اتهام اخلال در



## دو. وزارت نفت به دنبال پول

پرونده بابک زنجانی با پیگیری وزارت نفت گشوده شد. دلیل آن بدهکاری بیش از دو میلیارد دلار به جهت فروش نفت بوده است. تشکیل پرونده در سازمان بازرسی کل کشور، بازداشت با شتاب بابک زنجانی پس از پیگیری وزارت نفت و سفارش مقام‌های دولتی و قضایی به متهم برای برگرداندن مال به دست آمده از فروش نفت، بیان سخنگوی دستگاه قضایی از صداقت نداشتن متهم در بازگرداندن پول، همگی بیان‌کننده چرایی پرونده کیفری بابک زنجانی است؛ به سخن دیگر، پرونده کیفری فرع بر بدهی و به عنوان ابزاری برای برگرداندن مال و نیز کنترل متهم بوده است؛ به ویژه آنکه دادستان وقت نیز گفته بود که متهم بدهکار دولت است.

در فرآیند رسیدگی در دادگاه، بیان خواهش مدارانه وزیر نفت از متهم که «مرتب اعلام می‌کنند که وزارت نفت شماره حساب اعلام نمی‌کند، شما تو حساب خودت یا دادگاه این پول را بریز و بگو دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار در حساب من پول هست، بسیار خوب خیال ما راحت می‌شود که پول هست»؛ یا گفته نماینده دادستان از سر ناچاری که «متأسفانه متهم فرصت کافی برای پرداخت بدهی داشت اما اقدامی انجام نداده است، به همین خاطر بنده برای هر سه متهم تقاضای اشد مجازات را دارم»؛ همگی مسیر دادرسی را برای دریافت پول نشان می‌دهد. حتی به گفته متهم فساد نفتی، توافق چهارجانبه‌ای میان وی، دادستان تهران، معاون دادستان و مسئولان وزارت نفت صورت گرفته که مقرر شد با پرداخت یک میلیارد و ۹۶۷ میلیون یورو شرکت اچ

نظام ارزی و پولی کشور که در بند یک ماده یک آمده و دستاویز دادگاه برای محکوم کردن زنجانی بوده است، به معنای پدید آوردن آشفتگی و بی‌نظمی در نظام ارزی و پولی مانند جعل اسکناس یا قلب سکه است و نه بدهی هنگفت پولی. با این حال بند یک به طور تمثیلی بیان شده است و به دادرس اختیار می‌دهد تا اخلال در نظام ارزی و پولی را به گستردگی تفسیر کند ولی نمی‌توان این چالش را انکار کرد که بر پایه ماده دو، اخلال در نظام ارزی و پولی هنگامی افساد فی الارض است که به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور باشد؛ در حالی که دلیل بازداشت زنجانی، بدهی هنگفت به وزارت نفت و نیز به جهت دورزدن تحریم‌های بین‌المللی بوده و نمی‌توانسته است چنین قصدی را داشته باشد. افزون بر این زنجانی مورد اعتماد دولت بوده و در دادرسی نیز همواره به این افتخار کرده که تحریم‌ها را دور زده و همچون یک سرباز رفتار کرده است. بنابراین باز چنین قصدی از جهت قضایی احرازشدنی نیست و زنجانی یک اخلالگر در نظام اقتصادی به شمار می‌آمده نه یک مفسد فی الارض از رهگذر اخلال در نظام اقتصادی.

سوم، در بزه‌های ضد مال یا بزه‌های اقتصادی، برگرداندن مال به همان اندازه تعیین کیفر عادلانه، دارای اهمیت است. دادگاه باید این نکته را پاس بدارد که حقوق شهروندان یا دولت که در پی بزه، پایمال شده است، پیش یا ضمن اجرای کیفر جبران شود. از این رو اگر محارب به اعدام و قصاص محکوم شده است؛ در آغاز این حق صاحبان خون است که قصاص یا دیه بخواهند و سپس نوبت به کیفر محاربه می‌رسد. در بزه‌هایی که کیفر اعدام تعیین می‌شود، بازگردان مال باید پیش از اجرای اعدام انجام شود؛ ولی محکوم ناامید از زندگی دیگر انگیزه‌ای ندارد که پیش از اعدام قطعی، مالی را که با بزه به دست آورده، برگرداند. از این جهت است که قانون به دادسرا نیز اختیار می‌دهد تا به استرداد عین مال که موضوع بزه بوده، اقدام کند تا به گام حکم قطعی نرسد. بر پایه ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، بازگرداندن مال موضوع بزه که هنوز باقی است باید بدون دادخواست و تشریفات رسیدگی انجام شود و در پرونده زنجانی که به اعدام رسیده است؛ نه دادسرا و نه دادگاه از این جهت روی نکرده است که بازگرداندن مال باید پیش از صدور حکم باشد؛ چرا که با قطعیت حکم، انگیزه محکوم در بازگرداندن مال از میان می‌رود.



تلاش وزارت نفت برای بازپس گیری پول نفت چندان دستاوردی نداشت؛ زیرا تا پیش از رسیدگی کیفری و صدور حکم بر ضد بابک زنجانی، تحریم‌های بین‌المللی اجازه مبادله‌های پولی و بانکی را نمی‌داد و همین دستاویزی برای بازنگرداندن پول شده بود. پس از برطرف شدن تحریم‌های بین‌المللی نیز، متهم در اختیار دستگاه قضایی است و برای وی حکم سنگین اعدام تعیین شده است تا محکوم بپذیرد به بازپرداخت بدهی‌های خود بکوشد؛ ولی با قطعی شدن حکم در دیوان چنین باوری در پندار همگانی پیش آمد که اعدام قطعی بیشتر از آنکه برای بازگرداندن مال، کار آیی داشته باشد، برای زدودن محکوم اصلی یعنی زنجانی و بستن پرونده، کار آیی دارد؛ چیزی که به نظر می‌رسد شهروندان ایرانی را به اعدام زنجانی خوشنود نمی‌کند.

### سه. شهروندان در پی حقیقت

شهروندان نسبت به حکم اعدام بابک زنجانی نگاه خوش بینانه‌ای ندارند. هرچند این ادعا بر پایه بررسی آماری و میدانی دقیق نیست و البته بستر چنین بررسی‌هایی نیز فراهم نیست؛ ولی با برداشت گمانی از مبادله‌های اطلاعاتی فضای مجازی و پیشینه ذهنی شهروندان درباره دوران تحریم‌های بین‌المللی، کارکرد دولت نهم و دهم و نیز فرآیند رسیدگی‌های پیشین به پرونده‌های فساد اقتصادی، این پندار را پدید می‌آورد که حکم اعدام بابک زنجانی نه برای فشار آوردن به وی برای پرداخت بدهی‌هایش بلکه برای حذف وی و به دادرسی نکشاندن نهادها یا کسان نیرومند پشت صحنه بوده است.

درباره پرونده‌های قضایی، باور شهروندان را می‌توان به دو دسته عام و خاص دسته‌بندی کرد. باور همگانی، نگرش کلی و گاه احساسی به پرونده‌های قضایی است. در این نگرش، رویکرد همگانی از بزه‌های خشن مانند اسیدپاشی یا قتل عمد یا ربایش مسلحانه با بزه‌های مالی و فساد اقتصادی فرق دارد. درباره پرونده‌های خشن به هر اندازه که جامعه، متهم‌ستیز است ولی در پرونده‌های مالی و اقتصادی بیشتر متهم گرا است. به سخن دیگر، درباره پرونده‌های فساد اقتصادی، باور همگانی بیشتر از آنکه اجرای عدالت را بیابد، از یک سو به درکی ساختگی یا راستین از گسترده بودن فساد در ایران به ویژه در بدنه حاکمیت می‌انجامد و از سوی دیگر، پذیرش این نکته که نیرومندان و ثروتمندان پایشان به دادگاه باز نمی‌شود. پیشینه برخی پرونده‌ها مانند پرونده فساد بنیاد مستضعفان و گروه آریا

کی، مدارک تحویل بار را به شرکت ایزو ارسال کرده و چک صادر شده را به تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۹۳ به من تحویل دهند. ضمن اینکه مقرر شده اموال داخلی و خارجی من را بدون هر گونه سوءاستفاده بازگردانند.»

ادبیات دولت، مقام‌های قضایی و متهم نشان می‌دهد که چالشی میان ستاندن و دادن پول فروش نفت در میان بوده است. وزارت نفت به عنوان سرچشمه اصلی فراهم‌سازی درآمدها و هزینه‌های دولت به ویژه برای پرداخت یارانه، به تازگی در سال ۹۲ در دست دولت دهم و وزیر بایستینه در زمینه امور نفتی قرار گرفته بود؛ بنابراین طبیعی بود که پیش از هر چیز، مال هنگفت به دست آمده از فروش نفت به خزانه دولت برگردد. به ویژه آنکه طبق گفته وزیر دادگستری، بدهی بابک زنجانی ۸۵۰۰ میلیارد تومان و بسیار کلان و قابل توجه است.

هرچند وزارت نفت در پی پول بود ولی دولت یازدهم نیز در پی آن بود تا نشان دهد چه بی‌سامانی و آشفتگی در صنعت نفت در دولت نهم و دهم و دوران تحریم‌های بین‌المللی فرمان می‌راند که رقم‌های میلیارد دلاری بی‌آنکه در کنترل دولت باشد، در دست اشخاص حقیقی یا حقوقی غیردولتی قرار گرفته بود. این نگاه دولت به وضعیت آشفتگی نفت در دولت پیشین هرچند دور از راستی نبود ولی سبب شد تا نه تنها متهمان دولتی که با صنعت نفت و فروش آن به طور فراگیر درگیر بودند، پاسخگو نباشند؛ بلکه بابک زنجانی که بیرون از گستره دولت بود، به عنوان متهم اصلی شناسانده شود و مقام‌ها و نهادهای پشت صحنه تلاش کنند که این پرونده در جهتی ویژه پیش رود.



که همراه با کیفر اعدام بود، در ذهن مردم بیشتر بر این بوده است که متهم اصلی پرونده در اصل، قربانی بوده است. این باور درباره بابک زنجانی بسیار پررنگ‌تر است؛ زیرا بابک زنجانی نیرویی برای دور زدن تحریم‌ها بوده است و به سخن دیگر بخشی از مقام‌ها و نهادها با وی در پیوند بوده‌اند. بنابراین چون فقر و افول اقتصادی از یک سو و فسادهای کلان و باورنکردنی از سوی دیگر، رهاورد تحریم‌های بین‌المللی بوده و برای شهروندان ملموس گشته بود؛ باور به اینکه فساد نفتی دوران تحریم‌ها به گردن بابک زنجانی و شمار اندکی بیافند، برای همگان دشوار است.

شهروندان خاص که کسان آگاه به قانون‌ها، رویه‌ها یا نظام اقتصادی یا پیوندهای بین‌المللی‌اند، نیز با باور همگانی هم‌نویی می‌کنند. در این نگاه، نمی‌توان به جهت بدهی کسی را مفسد فی‌الارض شناخت و نیز نمی‌توان برای کسی که خود با دولت پیوند تنگاتنگ داشته و خود را سرباز نظام نامیده است، قصد مقابله با نظام یا علم به مؤثر بودن رفتار در مقابله با نظام را به رسمیت شناخت. جدا از این، چالش بنیادین شهروندان خاص، اعدام است. هر چند ممکن است، بیشتر شهروندان، اعدام را برای چنین محکومانی تأیید کنند ولی راستی آن است که اعدام در فساد مالی از پایه با شکست رو به رو است. جدا از تأثیر نداشتن اعدام‌شدگان پیشین مانند مه‌آفرید خسروی در کنترل فساد و وارونه آن و چنین ضمانت‌های اجرایی، فرصت روشن شدن پیچیدگی‌های مناسبات اقتصادی و سیاسی را می‌گیرد و نیروی بزرگی در برابر شفاف‌سازی مالی و اقتصادی به شمار می‌رود.

### نتیجه‌گیری

پرونده فساد نفتی درباره بابک زنجانی به فرجام رسیده و حکم اعدام وی به جهت قطعی شدن در آستانه اجرا قرار گرفته است. هر چند وی می‌تواند از رهگذر اعاده دادرسی یا از طریق رئیس قوه قضائیه به حکم قطعی اعتراض کند ولی برپایه قانون، نه تنها اعاده دادرسی به طور محدود و با دلیل‌های روشن پذیرفته می‌شود، بلکه حکم قطعی نیز برای اجرا فرستاده می‌شود. با این حال این طور در نگاه می‌آید که قطعی شدن حکم اعدام در دیوان، هنوز یک گام مانده به آخر است و فرصتی که محکوم بتواند در فضای برطرف شدن تحریم‌های بین‌المللی بدون بهانه، بدهی خود را پردازد. ولی با این حال باید هم دولت و هم دستگاه قضایی دریابند که در این پرونده تا

کنون راه درستی را نیموده‌اند. وزارت نفت نباید بیش از اندازه به پرونده کیفری بر ضد بابک زنجانی دلخوش می‌بود؛ چون فرجام چنین پرونده‌ای در پایان، اجرای کیفر یا عدالت است و برای وزارت، سیاست مناسبی برای بازگرداندن مال نیست؛ افزون بر این وزارتخانه باید از راه‌های دیگر مانند پاسخگو کردن مقام‌های نفتی پیشین، رایزنی با کشورها یا شرکت‌هایی که پول نفت همچنان در دست آنها است و گذشت در پرونده بابک زنجانی، زمینه برگشت پول را فراهم کند. هر چند که در افساد فی‌الارض، گذشت جایگاهی ندارد ولی چون پایه بنیادین پرونده بر بدهی بوده است تا یک رفتار جنایتکارانه و مقام‌های قضایی نیز نشان داده‌اند که بدهی را در پرونده در نگاه داشته‌اند تا سرزنش‌پذیری و بدبودن رفتارهای غیر قانونی را؛ از این رو برای دستگاه قضایی نیز این فرصت پیش می‌آید که طبق قانون اخلاک‌گران در نظام اقتصادی برای یک مفسد اقتصادی که در کنار دیگر مفسدان، به نام خدمت به کشور پولی از کشور را برداشت کرده است؛ دست کم قصد رویارویی با نظام یا علم به مؤثر بودن آن را احراز نکند و به عنوان یک مفسد اقتصادی عادی، برای وی حبس از پنج تا بیست سال تعیین کند. کیفر مناسبی که می‌تواند هم عدالت کیفری با منطق در دستگاه قضایی را نمود دهد؛ هم با زمینه‌سازی برای بازگرداندن مال و همکاری مؤثر محکوم دولت را خوشنود کند و هم باور شهروندان را در حذف نشدن ناگهانی یک محکوم و گرفتار شدن گام به گام کسان اصلی در فساد نفتی، زمینه‌ساز شود.

